



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۲، صص ۱۱۴۴-۱۱۲۰

ارزیابی میزان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای با تأکید بر نوسانات قیمت نفت

(مورد مطالعه: کشورهای حوزه خلیج فارس)

علی داج^۱، ریباز قربانی^{۲*}، محمد حسن نامی^۳، حجت الله پاشاپور^۴

۱- دانشجوی دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

۲- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات. rebazghorbani@gmail.com

۳- استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه علوم و فنون فارابی.

۴- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه افسری امام علی (ع)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴

چکیده

تحولات منطقه خلیج فارس پس از کشف نفت و تغییر معادلات منطقه‌ای، اهمیت مقوله همگرایی را به مراتب بیشتر کرده است. برآورد میزان و کیفیت همگرایی اقتصادی بین کشورهای حوزه خلیج فارس با تأکید ویژه بر عاملیت نفت، هدف اصلی این مقاله است. بنابراین پژوهش از لحاظ هدف «کاربردی» و به لحاظ ماهیت «اکتشافی» است. وضعیت همگرایی اقتصادی بر اساس روش کمی و با تکیه بر معیارهای اندازه اقتصاد و شدت تجارت مورد تحلیل قرار گرفت. تأثیرات قیمت نفت بر همگرایی اقتصادی بر اساس آزمون تفاوت میانگین‌ها (T)، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بررسی شد. برآورد میزان همگرایی اقتصادی هشت کشور حاشیه خلیج فارس طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰، نشانه‌های محکمی از تجانس و همسویی کشورها به لحاظ شدت تجارت و اندازه اقتصاد را بدست نداد. با لحاظ کردن نوسانات قیمت نفت در معادله، این ناهمگونی بیشتر آشکار شد. در درجه اول و از طریق آزمون (T)، اختلاف معناداری بین صادرات درون منطقه‌ای (نمره میانگین: ۲,۰۳) و صادرات برون منطقه‌ای (نمره میانگین: ۲,۷۷) مشاهده شد. بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، قیمت نفت به طرز معناداری صادرات برون منطقه‌ای (۰,۶۴۴) را بیشتر از صادرات درون منطقه‌ای (۰,۰۳۴) مورد تبیین قرار داد. تأثیرات زیاد قیمت نفت بر صادرات برون منطقه‌ای بر اساس آزمون رگرسیون چندگانه نیز مورد تأیید قرار گرفت. در مجموع نتایج نشان داد که وضعیت ناهمگون اقتصادی کشورهای خلیج فارس ارتباط تنگاتنگی با نوسانات قیمت نفت داشته است. افزایش قیمت نفت، گرایشات فرامنطقه‌ای را تقویت و درون گرایی را تضعیف کرده است. در نتیجه روند همگرا شدن کشورها دچار تزلزل شده و چرخه باطلی از این حیث شکل گرفته که موجب تثبیت وضعیت ناهمگون اقتصادی در منطقه شده است.

کلید واژه‌ها: همگرایی اقتصادی، منطقه گرایی، واگرایی، نفت، منطقه خلیج فارس.

در حال حاضر همگرایی منطقه‌ای مورد توجه اکثریت کشورهای جهان قرار گرفته و کشورهای گوناگون توسعه همه‌جانبه خود را در سایه همکاری‌های منطقه‌ای جست و جو می‌کنند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶۹). دولت‌ها از طریق وارد شدن در اتحادیه‌های منطقه‌ای تا حد زیادی بستر تعادل و همکاری بین یکدیگر را به وجود می‌آورند (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۰). اتحادیه اروپا از مصادیق عینی اتحادیه‌های منطقه‌ای است که نقش قابل توجهی در شکل‌گیری این تفکر در عرصه بین‌المللی داشته است (آلبو^۱، ۲۰۱۶؛ اتحادیه اروپا، ۲۰۲۲). البته باید اذعان داشت صرف حضور در ترتیبات منطقه‌ای سبب توسعه تجارت میان اعضاء و سرعت بخشیدن به روند ادغام آن‌ها در نظام تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌شود، بلکه عوامل مختلف جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی در هماهنگی سیاسی یک کشور با دیگر اعضای منطقه نقش دارند. به عبارتی صرفاً وجود منابع تولید و توانمندی‌های اقتصادی کشورها، راز موفقیت در ادغام منطقه‌ای نیست، بلکه سطح توسعه سیاسی و اجتماعی و میزان هماهنگی‌ها در این خصوص نقش برجسته‌ای دارد (ثاقب و همکاران، ۱۴۰۴: ۲).

با این حال در همگرایی منطقه‌ای نمی‌توان عامل اقتصادی را نادیده گرفت. در صورت دارا بودن شرایط اجتماعی و سیاسی، این عامل اقتصادی است که باعث نزدیکی و همگرایی بین کشورها می‌شود (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۱۲). منطقه خلیج فارس و کشورهای واقع در آن با دارا بودن شرایط ویژه ژئوپلیتیکی (دریا به سرزمین و موقعیت هارتلند) و ژئواکونومیکی (منابع انرژی با اهمیت اقتصادی زیاد) از این قاعده مستثنی نیستند (نوروزی زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۹). البته به دلیل تنوع ویژگی‌های جغرافیایی، انسانی، اقتصادی، سیاسی و مهمتر از همه دخالت‌های کشورهای فرامنطقه‌ای، اختلافات میان بازیگران آن زیاد بوده و همگرایی در این منطقه با چالش‌های فراوانی مواجه است (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۶۲). هرگونه اختلاف در این منطقه با وجود نقاط سوق‌الجیشی همچون تنگه هرمز و باب المندب، ترانزیت انرژی وابسته به نفت و گاز را مختل کرده و تنش‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه و جهان را افزایش خواهد داد که این امر نیازمند همکاری و تعهد کشورهای حاشیه خلیج برای یافتن راه‌حل‌های پایدار است (موسوی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۴). هرچند زیر سیستم شورای همکاری خلیج فارس (GCC) در قالب شبکه منطقه‌ای خاورمیانه به عنوان یکی از مدرن‌ترین پروژه‌های منطقه‌گرایی اقتصادی محسوب می‌شود که در این نقطه قرار دارد (اکبریان و شکری، ۱۳۹۵: ۱۷۸)، اما به دلیل اختلاف نظرهای زیاد و عدم حضور برخی کشورهای اصلی از جمله ایران در آن، عملکرد فراگیری در این خصوص نداشته است. کما اینکه میان همه کشورهای عضو این اتحادیه، طرح یکپارچگی منطقه‌ای واحدی وجود ندارد (اکبری و معلمی، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

با وجود تنش‌های قابل توجه ژئوپلیتیک و تلاش‌ها برای تنوع‌بخشی اقتصادی، وابستگی مشترک کشورهای حاشیه خلیج فارس به منابع نفتی متضمن همکاری‌های اقتصادی و سیاسی است که در بین کشورهای فوق با درجات متفاوت وجود دارد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۱۱). کشورهای حاشیه خلیج فارس عمدتاً اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به صادرات نفت داشته و همین امر اهمیت توجه به نفت و

1 Albu

2 European Commission

۳. شورای همکاری خلیج فارس (Gulf Cooperation Council) شامل کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، عمان، کویت و بحرین است که در سال ۱۹۸۱ میلادی با هدف یکپارچگی اقتصادی تشکیل شد.

تأثیرات آن در هم‌پیوندی کشورهای این منطقه را بازنمایی می‌کند (عسگری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲). هرچند این کشورها کم و بیش در سال‌های گذشته توانسته‌اند در حوزه تأمین انرژی موفق عمل کنند اما عوامل متعددی از جمله اختلافات سیاسی کشورها و مداخله قدرت‌های بین‌المللی در این منطقه موجب شده است تا مسأله همگرایی در بین این کشورها به ضرورتی جدی بدل شود. حتی تصور برخی بر آن است که پس از کشف نفت و تغییر معادلات منطقه‌ای، بسیاری از عوامل همگراساز در منطقه رو به فراموشی رفته و عوامل واگراساز فعال شده است (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۶۲). پیام واگرایی نیز واضح بوده و از پیامدهای آن می‌توان به ناکارایی اقتصادی همچون انحراف تجارت یا بازدارنده بودن ترتیبات در رشد تجارت ملت‌ها (بانک جهانی، ۲۰۰۰: ۴۰)، جریان‌های مهاجرتی قوی و آشوب‌های اجتماعی است که همواره منجر به فشارهای سیاسی و آثار سوء ناشی از آن است (نصرالهی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۶). مقاله حاضر تلاش کرده است ضمن ارزیابی وضعیت همگرایی اقتصادی در بین هشت کشور حاشیه خلیج فارس، مکانیزم تأثیرگذاری شاخص عمده اقتصادی سیاسی نفت بر همگرایی اقتصادی را کشف و مورد تبیین قرار دهد. بنابراین هدف مقاله حاضر کشف وضعیت کنونی حاکم بر اقتصادهای حاشیه خلیج فارس از لحاظ همگرایی و تبیین نقش و جایگاه نفت در تقویت یا تضعیف همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است. برای رسیدن به هدف فوق، دو پرسش اصلی به شرح زیر بیان شد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس از منظر شاخص‌های عمده اقتصادی تا چه حد متجانس بوده و طی چند دهه اخیر چقدر به سمت همگرایی اقتصادی میل داشته‌اند؟

تأثیرات نفت و نوسانات قیمتی آن در میزان همگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس چگونه تبیین می‌شود؟

همگرایی در مفهوم عام مورد توجه بسیاری از محققان بوده و پژوهش‌های مختلفی در حوزه داخلی و خارجی توسط آن‌ها انجام یافته است. با این حال به منظور تعیین وجه اشتراک و تمایز مقاله حاضر با تحقیقات پیشین، آشکار ساختن جایگاه علمی این مطالعه در بین ادبیات موجود و در نهایت رفع برخی خلأهای قابل توجه در این زمینه، نمونه‌هایی از مطالعات انجام یافته که ارتباط بسیار نزدیکی با موضوع پژوهش دارند در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه‌هایی از تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش

محقق و سال	عنوان	یافته کلیدی
کیانی (۱۳۹۴)	الزامات همگرایی منطقه ای در بین کشورهای حوزه خلیج فارس با تاکید بر دیپلماسی انرژی	شمولیت الگوی جدید همکاری منطقه‌ای به کل کشورهای منطقه بر پایه انرژی نفت و گاز.
عسگری و همکاران (۱۳۹۶)	تأثیر صادرات نفت بر همگرایی یا واگرایی GDP سرانه کشورهای عضو اوپک با رویکرد اقتصادسنجی ترکیبی فضایی	تأثیر مثبت صادرات نفت بر مدل و افزایش‌دهنده سرعت همگرایی در بین کشورهای اوپک.
ویسی (۱۳۹۷)	بررسی چالش‌های منطقه گرایی و اتحاد در شورای همکاری خلیج فارس	فرایند منطقه‌سازی ناقص توسط شورا و چالش‌های سیاسی، هویتی، امنیتی و اقتصادی در جهت تکامل منطقه‌گرایی.

و معین آبادی (۱۳۹۸)	و اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن	وابستگی به تجارت خارجی و اختلافات سیاسی بر سر راه آسه آن در رسیدن به همگرایی کامل اقتصادی.
و افراسیابی همکاران (۱۳۹۹)	و بررسی اثر درآمدهای نفت بر همگرایی منطقه‌ای در اقتصاد ایران ...	رشد سریع استان‌های با درآمد سرانه پایین‌تر و تأثیر مثبت و معنادار اما منفی نفت بر روند همگرایی.
ایمانی (۱۴۰۰)	امکان‌سنجی همگرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس در آینده پیش‌رو و الزامات تحقق آن	همگرایی اقتصادی در سایه افزایش سهم بخش غیرنفتی و مستثنی نکردن کشورهای ایران و عراق در شورا.
و حسینی همکاران (۱۴۰۲)	و همگرایی اقتصادی- تجاری منطقه‌ای میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا	همسو نبودن افزایش سهم تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران با توسعه تجارت ایران.
و علیزاده همکاران (۱۴۰۳)	و نقش و جایگاه مولفه انرژی بر همگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس	وابستگی قدرت‌های بزرگ به انرژی خلیج فارس یکی از عوامل عمده وقوع چالش در مسیر همگرایی کشورها.
و ثاقب همکاران (۱۴۰۴)	و ارزیابی همگرایی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس	تجانس شاخص‌های توسعه برای اعضای شورا و همگرا تر شدن شکاف و دامنه پراکنش درآمد سرانه برای اعضا.
کی و وریک (۲۰۱۷)	کی و آینده ادغام اقتصادی آسه آن	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت درون منطقه‌ای؛ یکی از ارکان اصلی افزایش همگرایی منطقه‌ای.
محمد واعظ برزانی (۲۰۱۸)	تأثیر افزایش قیمت نفت بر رشد اقتصادی و همگرایی درآمدی ...	تأیید تأثیر افزایش قیمت نفت بر رشد اقتصادی طی دوره ۱۹۹۸- ۲۰۰۸.
دسلی ۲ (۲۰۲۰)	همگرایی اقتصادی جهان: آیا روش تخمین مهم است؟	همگرایی اقتصادی در سطح جهانی از طریق تشکیل باشگاه‌های همگرایی و همگرایی اقتصادی یک فرآیند قطعی.

تسهیل تکامل اقتصادی بواسطه	
کاتارزین	۱۱ ارزیابی همگرایی اقتصادی بین پویایی توسعه اقتصادی کشورهای
(۲۰۲۲)	کشورهای اتحادیه اروپا تازه ملحق شده به اتحادیه اروپا در مقایسه با کشورهای قبلی.
پروچنیاک و راپاک	۲ رشد اقتصادی و همگرایی واقعی در بر رشد اقتصادی و جبران عقب-ماندگی کشورهای کاندیدای سابق بواسطه مکانیسم همگرایی.
(۲۰۲۴)	
چارلز فی و همکاران	۳ همگرایی اقتصادی در اتحادیه اقتصادی و WAEMU در دوره بررسی، بدلیل عدم نزدیکی بودن ساختار اقتصادی پولی غرب آفریقا: تحلیلی جدید
(۲۰۲۵)	کشورهای فوق.

تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش وضعیت همگونی کشورها یا مناطق را عمدتاً در انطباق با یک ترتیب اقتصادی و با تکیه بر شاخص‌های متداول اقتصادی مورد توجه قرار داده‌اند که از این حیث می‌توان به وجود برخی اشتراکات بین آن‌ها و مطالعه حاضر اشاره کرد. اما برجستگی و وجه تمایز مقاله حاضر را می‌توان در دو نکته اصلی بیان کرد. نکته اول اینکه وضعیت همگرایی کشورهای حاشیه خلیج فارس در این مقاله نه صرفاً در قالب یک ترتیب اقتصادی منطقه‌ای، بلکه در قالب یک منطقه جغرافیایی همگن مورد تحلیل قرار گرفته است. نکته دوم که کاملاً در ارتباط با نکته اول است، اتخاذ نگاه همه‌جانبه برای تحلیل و تبیین پدیده‌ای همچون همگرایی اقتصادی در منطقه‌ای است که بنیان اصلی تحولات آن بر پایه عنصر اصلی نفت است. عنصری که به لحاظ جایگاه تبیین‌گری در منطقه خلیج فارس قابل مقایسه با شاخص‌های اقتصادی دیگر نیست. بهره‌گیری از این عنصر عمده در کنار سایر شاخص‌های اقتصادی، ملاحظات بنیادی مبتنی بر نگاه تحلیلی همه‌جانبه و رفع خلاءهای پژوهش‌های موجود را مورد تأکید قرار می‌دهد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش بر پایه مباحث مفهومی و نظری حول محورهای همگرایی منطقه‌ای، همگرایی اقتصادی و در نهایت چهارچوب ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای سازمان‌بندی شده و بدین ترتیب رهیافت نظری پژوهش تدوین و در قالب مدلی ارائه شده است.

همگرایی منطقه‌ای

واژه همگرایی عریضه در ادغام و یکپارچگی داشته و در لغت به ترکیب بخش‌های مجزا به یک کل واحد اشاره دارد (دوسندرود ۲۰۱۵: ۳). همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص است که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۷۳). همگرایی فرایندی است که در آن روابط نزدیک‌تری بین واحدهای جغرافیایی همراه با افزایش میزان ویژگی‌های مشابه متصور است (لواو ۲۰۰۳: ۱۳). همگرایی منطقه‌ای از سال ۱۹۵۰ توسط اقتصاددانان برای تخصیصی کردن تجارت

- 1Katarzyna Szczepańska-Woszczyna
- 2Mariusz Próchniak & Ryszard Rapacki
- 3Charles Fe et al
- 4integer
- 5Dosenrode
- 6Lvova

بین‌الملل ارائه شد. با فراگیر شدن استفاده از آن در رشته‌های مختلف علمی، اهمیت آن به مراتب زیاد و گستره مفهومی آن افزون‌تر شد (رمضانی و معین‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۴۰). در یک تعریف ساده و جامع، همگرایی منطقه‌ای به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن دولت‌ها دور هم جمع می‌شوند تا موافقت‌نامه‌هایی را برای همکاری در حوزه‌های خاص و مشترک امضا کنند (گاتی، ۲۰۰۹: ۵). ال-آگرا^۲ حذف تمام موانع تجاری بین حداقل دو کشور مشارکت‌کننده با ایجاد عناصر معین همکاری و هماهنگی بین خود را مرتبط با همگرایی منطقه‌ای می‌داند (ال-آگرا، ۲۰۰۷: ۱). از نظر گبرا^۳ همگرایی منطقه‌ای به نتیجه اشاره دارد که به معیارهای از پیش تعیین شده تلاقی می‌شوند و از دستاوردهای آن می‌توان به نهادسازی و تحکیم، هماهنگی سیاست اقتصادی و اجتماعی و هماهنگی در روابط خارجی اشاره کرد (گبرا، ۲۰۱۶: ۲).

تعاریف ارائه شده از همگرایی منطقه‌ای بویژه تعریف اخیر، با نظریه کارکردگرایی همخوانی بیشتری دارد. این نظریه توانایی و ظرفیت بیشتری برای تبیین همگرایی منطقه‌ای دارد که می‌توان آن را در قالب رویکرد تعادل فضایی به عنوان یکی از پایه‌های نظری مقوله فوق مطرح کرد (افراسیابی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۰). تئوری کارکردگرایی مبتنی بر این ایده است که نیروهای تکنولوژیکی و اقتصادی، در حال پیشبرد جهان به سمت همگرایی سیاسی بیشتری هستند. کاهش یا از بین رفتن عوامل واگرا، نهادینه شدن منافع جمعی، تقویت و گسترش همکاری‌های فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از جمله نتایج گسترش فرایند همگرایی از این دیدگاه است که در نهایت منجر به شکل‌گیری ساختارهای جدید می‌شود (افضلی و انصاری، ۱۳۹۵: ۳۳۹). بر این اساس، همگرایی، فرایندی است که از یک حوزه، آغاز می‌شود و به سایر حوزه‌ها تسری می‌یابد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۱۸). در همین راستا مبترانی از اصطلاح ریشه دواندن یا گسترش استفاده می‌کند. برای مثال، همکاری در زمینه نفت ممکن است به همکاری در زمینه پتروشیمی، حفاظت محیط زیست و حمل و نقل دریایی منجر شود (صنیع اجلال، ۱۴۰۱: ۹). مطابق با نظریه فوق، مراحل همگرایی اقتصادی منطقه‌ای از منطقه آزاد تجاری شروع شده و به اتحادیه کامل اقتصادی و سیاسی منجر می‌شود (رمضانی و معین‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۴۷).

همگرایی اقتصادی

همگرایی اقتصادی فرایندی است که طی آن، موانع تجاری همچون تعرفه‌ها، سهمیه‌بندی و محدودیت‌های مرزی بین کشورهای مختلف از بین رفته و ادغام کامل اقتصاد کشورهای همکار در یک بازار واحد شکل می‌گیرد (استیلیانوس^۴، ۲۰۲۰). ادبیات همگرایی اقتصادی بر این بحث استوار است که چرا برخی کشورها سریع‌تر از سایرین رشد می‌کنند و شکاف بین کشورها عمیق‌تر می‌شود (هارگر^۵، ۲۰۱۷). از این نظر هرچقدر مناطق اطراف یک منطقه توسعه یافته‌تر باشند، اثرات مثبت سرریزی سایر مناطق بر منطقه مورد نظر افزایش یافته و همگرایی با مناطق مجاور اتفاق می‌افتد (دل‌انگیزان و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در یک کشور زمانی امکان‌پذیر است که رشد اقتصادی در همه مناطق اقتصادی به یک روند ثابتی گرایش پیدا کند و به اصطلاح همگرا شود. افرادی مانند واینر^۶ (۱۹۵۰) و مید^۷ (۱۹۵۰) در همین چارچوب و با تکیه بر نظریه اتحادیه‌های گمرکی، نظریه‌پردازی کرده‌اند. این گروه از نظریه‌پردازان همگرایی اقتصادی را به عنوان یک استراتژی رشد برای کشورهای عقب مانده بررسی کرده‌اند (سعیدی جوادی و فهیمی‌فرد، ۱۴۰۲).

1 Gathi

2 El-Agraa

3 Gebra

4 Stilianos

5 Harger

6 Viner

7 Meade

نظریه‌های واینر مرتبط با ایجاد مسأله تجارت و تغییر در تجارت است که به منظور افزایش سطح تجارت در میان کشورهای درون یک اتحادیه گمرکی و دگرگونی در ارتباطات تجاری آن‌هاست. کارل دویچ معتقد است که تراکم بیشتر مبادلات در دوره‌های طولانی می‌تواند به خلق یک ابر دولت با نهادهای متمرکز منجر شود (کوشکی و آزاد، ۱۳۹۱: ۶۸). از این نظر همگرایی زمانی کارآمد است که تلاش‌های معطوف به ایجاد تجارت بیشتر از تلاش‌های منجر به انحراف تجارت باشد (پترنل و گرس، ۲۰۲۱). این امر هم باعث ایجاد و هم جهت دادن به تجارت برای توانمندسازی تدریجی تجارت بین‌المللی می‌شود (جلایی و دربندی، ۱۳۸۸: ۳۶). به این طریق کشورهای کوچک‌تر محدودیت‌های ناشی از کوچکی اقتصادهای خود را رفع می‌کنند (سعادت و محسنی، ۱۳۹۴). برخی دیگر از نظریه‌پردازان همگرایی اقتصادی، از تبدیل این استراتژی رشد به یک نوع خود اتکایی جمعی صحبت کرده‌اند. بامول (۱۹۸۶) و آبراموویتز (۱۹۸۶) در نظریات خود بر این امر تأکید دارند.

معیارهای ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای

دو شاخص همگرایی اقتصادی و همگرایی تجاری یا شاخص شدت تجارت که با معیارهای ایجاد و انحراف تجارت ارتباط نزدیکی دارد، تناسب زیادی برای بررسی میزان همگرایی اقتصادی دارد. همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی-تجاری به ویژه تجانس و همگونی درآمد سرانه و سرانه تولید ناخالص، از معیارهای ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است. همگرایی تجاری از راه نسبت تجارت درون منطقه‌ای کشورهای عضو و دیگر مبادلات اقتصادی قابل ارزیابی است. شاخص شدت تجارت با میزان صادرات سنجش می‌شود (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۱۸). از آنجا که مظهر وجودی کشورهای حاشیه خلیج فارس در بازارهای اقتصاد منطقه‌ای و جهانی با اتکاء به درآمدهای نفتی توام است، لذا ارتباط نوسانات قیمتی آن با وضعیت صادرات، شاخص عمده دیگری در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا همگرایی اقتصادی با عاملیت درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی و همگرایی تجاری با عاملیت میزان صادرات و ارتباط نفت با صادرات مورد ارزیابی قرار گرفته تا وضعیت همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در خلیج فارس آشکار شود.

رهیافت نظری پژوهش

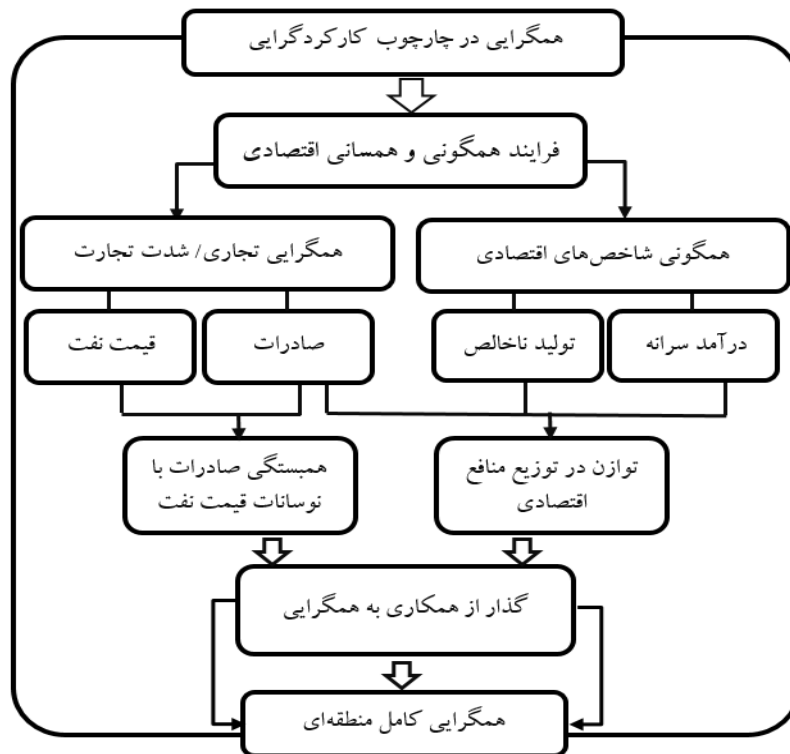
با عنایت به مباحث نظری و مفهومی ارائه شده، مبنای اصلی چارچوب نظری جهت تبیین همگرایی اقتصادی منطقه‌ای بین هشت کشور حاشیه خلیج فارس، بر نظریه کارکردگرایی استوار است. رفع تعرفه‌ها و موانع گمرکی برای بهبود شرایط اقتصادی، استفاده از نیروهای فنی و اقتصادی جهت پیشبرد به سمت همگرایی اقتصادی و شکل‌یابی همگرایی کامل منطقه‌ای جزو اصول و قواعد اصلی بستر فکری و نظری کارکردگرایی محسوب می‌شود. بر اساس این دیدگاه و با تأکید بر نظریات افرادی مانند واینر و دویچ، زمانی که محدودیت‌های تعرفه‌ای برداشته می‌شود و ارتباطات اقتصادی بین کشورها از کم و کیف بهتری برخوردار می‌شود، افزایش تجارت و توازن در رشد اقتصادی اتفاق افتاده و کشورها از نظر اقتصادی به هم نزدیک می‌شوند. فرایندی غیر از این، انحراف تجارت و واگرایی را در پی خواهد داشت. مسأله‌ای که بواسطه معیارهای اندازه اقتصاد و شدت تجارت مورد ارزیابی قرار گرفت. بهره‌گیری از عنصر نفت در کنار معیارهای فوق، ملاحظات اساسی مبتنی بر نگاه تحلیلی همه‌جانبه در فرایند ارزیابی همگرایی اقتصادی را مورد تأکید قرار داد. بهره‌گیری از شاخص‌های اقتصادی عمده و مهمترین عنصر سیاسی اقتصادی مؤثر در ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای بصورت توامان، وجه غالب همه‌جانبه‌گری در شیوه تحلیل را نشان می‌دهد. بطور کلی باید اذعان کرد که همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در چارچوب کارکردگرایی مستلزم فرایند همگونی و

1 Peternel & Gress

2 Baumol

3 Abramovitz

همسانی اقتصادی در درجه اول با حصول توازن در توزیع منافع اقتصادی و همبستگی نوسانات قیمت نفت و شدت تجارت و در درجه دوم گذار از همکاری به همگرایی کامل منطقه‌ای است. مدل چارچوب نظری بر همین اساس به شکل زیر ارائه شد.

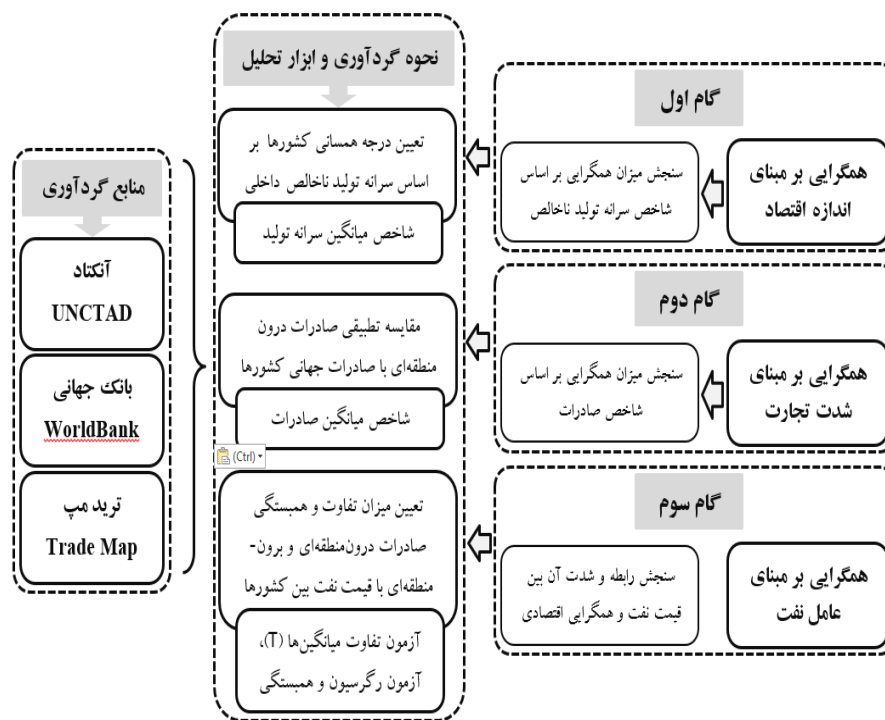


شکل ۱. مدل چارچوب نظری پژوهش

روش‌شناسی تحقیق

هدف این مقاله ارائه وضعیت همگرایی اقتصادی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و تأثیرات نفت در قالب یک سیستم جغرافیایی است. سعی بر این بوده که میزان و کیفیت همگرایی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس بر اساس برخی شاخص‌های مهم اقتصادی و با تأکید ویژه بر عاملیت نفت بررسی و تحلیل شود. بنابراین پژوهش از لحاظ هدف «کاربردی» و به لحاظ ماهیت «اکتشافی» است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته است. در بخش توصیفی، وضعیت همگرایی از نظر سطح و انسجام مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس چارچوب نظری مقاله، از دو معیار عمده «شدت تجارت» و «اندازه اقتصاد» برای این منظور استفاده شده است. تعیین وضعیت همگرایی بر مبنای شدت تجارت با تکیه بر شاخص میانگین صادرات اعم از صادرات درونی و صادرات جهانی کشورها و همچنین تعیین میزان هم‌پیوندی کشورها بر اساس شاخص فوق انجام یافته است. همگرایی بر مبنای اندازه اقتصاد بر اساس درجه همسانی کشورها و دامنه‌یابی مرتبط با شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی در بین کشورها انجام یافته است. تحلیل عمده دیگر که در چارچوب آمارهای استنباطی انجام یافته، تأثیر نوسانات قیمت نفت بر وضعیت همگرایی اقتصادی با تأکید ویژه بر شاخص صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس بوده است. افزایش یا کاهش روند صادرات درون منطقه‌ای در مقایسه با صادرات برون منطقه‌ای به موازات نوسانات قیمت نفت، تقویت یا تضعیف همگرایی اقتصادی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس را بدست داده است. بررسی وجود رابطه و شدت و ضعف آن بین این منبع راهبردی با وضعیت همگرایی اقتصادی با توجه به ماهیت تحلیلی داده‌ها که شامل دو گروه صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای هستند، با آزمون‌های T (تفاوت میانگین‌ها)، تکنیک رگرسیون خطی چندگانه و آزمون آماری همبستگی پیرسون انجام یافته

است. جامعه آماری مشتمل بر کشورهای حاشیه خلیج فارس یعنی ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عمان هستند که سوای وجود ترتیب اقتصادی منطقه‌ای بطور ویژه شورای همکاری خلیج فارس، وجوه مشترک زیادی در ابعاد مختلف داشته و یک منطقه جغرافیایی همگن را شکل می‌دهند. داده‌های مورد استفاده متعلق به دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ می‌باشد. در دسترس بودن داده‌های آماری کلیه کشورها از سوی منابع اطلاعاتی در مقطع زمانی مورد نظر و پرهیز از بکارگیری آمارهای مخدوش و غیر رسمی از یک سو و در نظر گرفتن بازه زمانی متمادی به منظور روایی و اعتبار بیشتر داده‌ها و نتایج تحلیل از سوی دیگر، دلیل انتخاب محدوده زمانی فوق است که برای اهداف این مقاله کافی به نظر می‌رسد. داده‌های آماری از نهادهای بین‌المللی - از جمله سازمان جهانی تجارت، صندوق بین‌المللی پول و کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) - جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و ارزیابی شده است. در یک جمع‌بندی فرایند انجام پژوهش در سه گام اصلی انجام یافته است. در گام اول همگرایی بر مبنای اندازه اقتصاد با تکیه بر شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها انجام یافته و درجه همسانی کشورها بر اساس شاخص فوق تحلیل شده است. در گام دوم میزان همگرایی اقتصادی بر مبنای شدت تجارت با تکیه بر شاخص صادرات اعم از صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای بین کشورهای حاشیه خلیج فارس تحلیل و نتایج آن ارائه شده است. در گام سوم همگرایی با عاملیت نفت ارزیابی شده و تأثیرات قیمت نفت در مقطع زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ بر روند صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای با آزمون‌های آماری تفاوت میانگین‌ها (T)، رگرسیون و ضریب همبستگی برآورد شده است. گام اول و دوم فرایند انجام پژوهش در قالب آمارهای توصیفی و گام سوم در قالب آمارهای استنباطی انجام یافته است. فرایند انجام پژوهش و مختصات روشی آن در شکل زیر ارائه شده است.

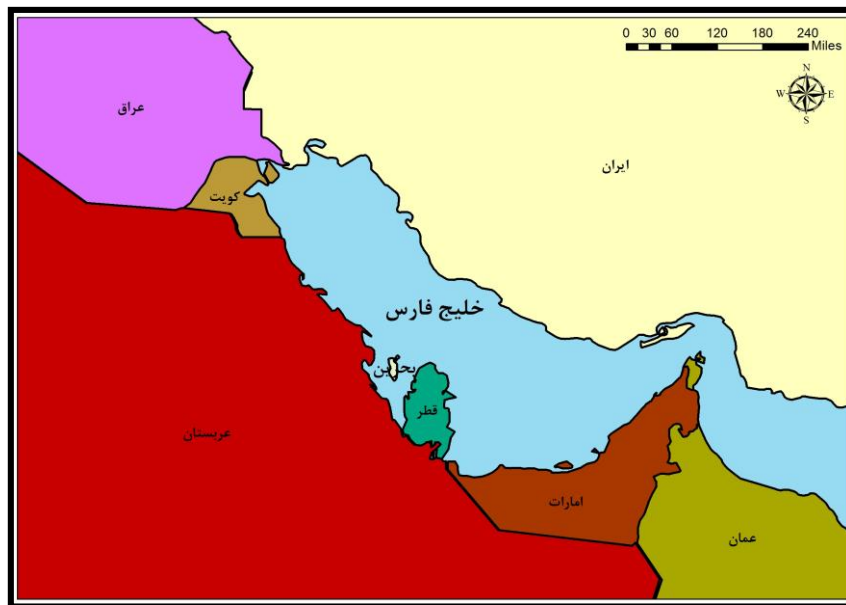


شکل ۲. فرایند انجام پژوهش و مختصات روشی آن

محدوده مورد بررسی

خلیج فارس در جنوب غرب آسیا واقع شده و به نوعی در شبه جزیره عربستان شکاف ایجاد کرده است. از نظر موقعیت مطلق این خلیج در محدوده ۲۳ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه طول شرقی واقع شده است. وسعت آن حدود ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و ۰,۶۲

درصد آهای سطح کره زمین را شامل می‌شود (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۲). شکل زیر نقشه موقعیت خلیج فارس و کشورهای همکرانه آن را نشان می‌دهد.



شکل ۳. موقعیت خلیج فارس و کشورهای همکرانه آن (منبع: نگارندگان)

کشورهای خلیج فارس دارای وجوه مشترکی هستند که از مهمترین آنها می‌توان به منابع نفتی و گازی اشاره کرد (قرآنی نوشاد، ۱۳۹۵: ۴۴۸). عبور روزانه در حدود ۱۷ میلیون بشکه از ذخایر آن از طریق تنگه هرمز و وابستگی قدرت‌های بزرگ جهانی در شرق و غرب جهان موقعیت استراتژیک و ارزش بالای ژئوپلیتیکی آن را نشان می‌دهد (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۵). ۵۵ درصد نفت خام دنیا در اختیار شش کشور حوزه خلیج فارس قرار دارد. چهار کشور عربستان سعودی، ایران، عراق و کویت، بیشترین منابع انرژی را دارا می‌باشند. همچنین ایران دومین و قطر سومین کشور دنیا به لحاظ دارا بودن ذخایر گاز طبیعی هستند (کیانی، ۱۳۹۴: ۴۳). اهمیت همگرایی در میان این کشورهایی که دارای اشتراکات منافع هستند، با توجه به رقابت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

وضعیت همگرایی اقتصادی در بین کشورهای خلیج فارس بر مبنای اندازه اقتصاد، شدت تجارت و قیمت نفت بررسی و تحلیل شده است. میزان هم‌پیوندی بر مبنای اندازه اقتصاد با تأکید بر «سرانه تولید ناخالص داخلی» و بررسی شدت تجارت با تأکید بر «نسبت صادرات درون منطقه‌ای به صادرات برون منطقه‌ای» انجام یافته است. بعلاوه همگرایی اقتصادی در بین کشورهای فوق با گنجاندن قیمت نفت و تأثیرات آن در تحلیل‌ها بررسی شده است.

همگرایی بر مبنای اندازه اقتصاد

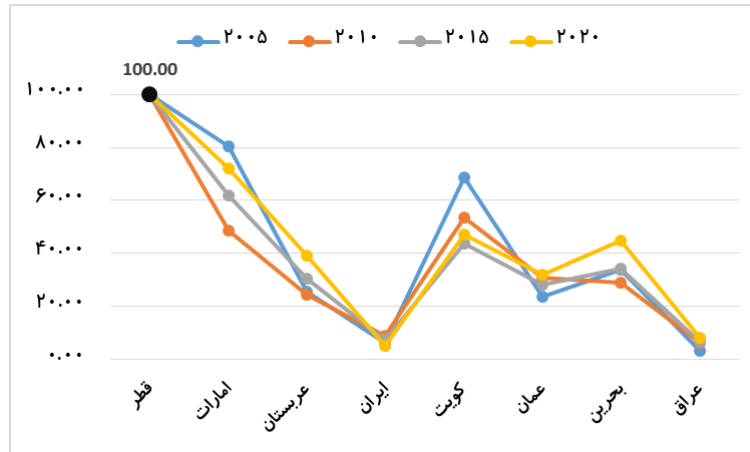
شاخص تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های تشخیص اندازه اقتصاد محسوب می‌شود. ارقام تولید ناخالص داخلی به تفکیک هشت کشور منطقه خلیج فارس طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ استخراج شد. جهت نمایش و تحلیل بهتر، داده‌های استخراج شده برای این شاخص در یک طبقه‌بندی پنج‌ساله طی دوره مذکور ارائه شدند. اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که هرچند میزان سرانه تولید

ناخالص داخلی در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس کم و بیش با افزایش طبیعی مواجه بوده است، با این حال نشانه‌هایی از تجانس و همگونی بین کشورهای منطقه مشاهده نمی‌شود. به عنوان نمونه کشورهای قطر با ۳۰,۹۵ درصد و امارات ۱۹,۸۰ درصد، جمعاً نزدیک ۵۰ درصد از سهم کل سرانه تولید ناخالص داخلی منطقه را به خود اختصاص داده و ۵۰ درصد دیگر متعلق به ۶ کشور باقی در این گروه است. این ناهمسانی در تخصیص سرانه تولید در کل دوره زمانی (۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰) مشهود است. کشورهای کویت با ۱۶,۳۵، بحرین ۱۰,۷۷، عربستان ۹,۹، عمان ۸,۹۰، ایران ۲,۲ و عراق ۱,۸۸ درصد از متوسط سرانه تولید ناخالص در کل دوره را به خود اختصاص داده و به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. در واقع همه کشورها سهم یکسانی در تولید ناخالص داخلی نداشته و مهم‌تر اینکه کشورهای مورد بررسی از نظر روند رشد تولید ناخالص داخلی، همسو نیستند.

درجه همسانی بین کشورها با محوریت کشور قطر که از میانگین سرانه تولید بالایی برخوردار است، برآورد شده است. میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی به نسبت کشور قطر (۱۰۰)، نشان می‌دهد که به جزء کشور امارات با ۶۵,۷ درصد و کویت با ۵۳,۴ درصد، مابقی کشورها اختلاف نسبتاً زیادی با کشور قطر داشته و حتی این اختلاف برخی مواقع نه تنها کم نشده بلکه تشدید نیز شده است. برای نمونه کشور ایران با ۶,۱۵ درصد سرانه تولید ناخالص داخلی با محوریت کشور قطر (۱۰۰) در ابتدای دوره (۲۰۰۵)، به ۵,۲ درصد در انتهای دوره (۲۰۲۰) رسیده است. اطلاعات مربوط به این شاخص در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای خلیج فارس (دلار فعلی آمریکا)

میانگین با محوریت قطر	درصد میانگین	۲۰۲۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	
قطر	۱۰۰٪	۵۲۳۱۶	۶۶۹۸۵	۷۳۰۲۱	۵۲۴۶۸	
امارات	۶۵,۷٪	۳۷۶۲۹	۴۱۵۲۵	۳۵۳۹۲	۴۲۱۹۱	
عربستان	۲۹,۹٪	۲۰۳۹۸	۲۰۴۴۲	۱۷۹۵۹	۱۳۴۶۳	
ایران	۶,۹٪	۲۷۴۶	۴۹۹۱	۶۴۵۹	۳۲۲۷	
کویت	۵۳,۴٪	۲۴۶۵۶	۲۹۳۱۵	۳۹۲۱۲	۳۶۱۴۵	
عمان	۲۸,۶٪	۱۶۷۰۸	۱۸۷۷۷	۲۲۵۵۲	۱۲۳۵۸	
بحرین	۳۵,۴٪	۲۳۴۳۳	۲۲۸۵۱	۲۱۱۸۷	۱۷۷۰۵	
عراق	۶,۰٪	۴۲۵۱	۴۴۱۷	۴۴۳۰	۱۷۴۵	



شکل ۴. نمودار وضعیت تجانس و همگونی کشورها با محوریت کشور قطر

مطابق با نمودار فوق، صرفاً تولید ناخالص کشورهای کویت و تا حدودی بحرین و امارات در طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ به سمت بالا خیز داشته و به اندازه کشور قطر در حال نزدیک شدن هستند. اما بقیه کشورها روندی تقریباً یکنواخت را از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی در مقایسه با کشور قطر داشته‌اند. یک طیف‌بندی از این جهت می‌توان بین کشورهای حاشیه خلیج متصور شد که اختلاف معنادار بین گروه‌های آن در تمام دوره وجود داشته و ثابت بوده است. در این دامنه‌یابی مشخص شد که کشورهایی همچون ایران، عراق، عمان، عربستان و حتی بحرین طی دوره مورد بررسی در طیف ضعیف از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی قرار داشته و تغییر چندانی در جهت همسویی با سرانه تولید سایر کشورهای حاشیه خلیج ندارند. بیشترین فراوانی کشورهایی همچون کویت از نظر میزان سرانه تولید ناخالص مربوط به طیف متوسط است. بیشترین توزیع و فراوانی سرانه تولید کشورهای همچون قطر و امارات اختصاص به طیف بالای سرانه تولید دارد. تغییرات در میزان ارقام سرانه تولید ناخالص کشورها ارتباط معناداری با تغییرات در قالب طیف‌بندی مذکور نداشته است. جدول زیر توزیع فراوانی کشورها بر اساس دامنه‌یابی در سه سطح سرانه تولید کم، متوسط و زیاد را نشان می‌دهد. طیف‌بندی به جز تغییرات بسیار جزئی در چند کشور محدود از ابتدا تا انتهای دوره کاملاً ثابت بوده و تغییری در جهت نزدیک شدن و همسویی کشورها به هم مشاهده نمی‌شود.

جدول ۳. طیف‌بندی کشورها از نظر همسانی سرانه تولید ناخالص داخلی

سال	وضعیت	طیف بندی میزان تولید ناخالص (دلار)		تعداد	نام کشورها							
		حد پایین	حد بالا		قطر	امارات	عربستان	کویت	عمان	بحرین	عراق	
۲۰۰۵	کم	۱۷۴۵	۱۸۶۵۲	۵			*	*		*	*	*
	متوسط	۱۸۶۵۳	۳۵۵۶۰	۰								
	زیاد	۳۵۵۶۱	۵۲۴۶۸	۳	*	*			*			
۲۰۱۰	کم	۴۴۳۰	۲۷۲۹۳	۵			*	*	*	*	*	*
	متوسط	۲۷۲۹۴	۵۰۱۵۷	۲		*			*			
	زیاد	۵۰۱۵۸	۷۳۰۲۱	۱	*							
۲۰۱۵	کم	۴۴۱۷	۲۵۲۷۲	۵			*	*	*	*	*	*

			*			*		۲	۴۶۱۲۹	۲۵۲۷۳	متوسط	
							*	۱	۶۶۹۸۵	۴۶۱۳۰	زیاد	
	*		*		*			۳	۱۹۲۶۹	۲۷۴۶	کم	
		*		*		*		۳	۳۵۷۹۲	۱۹۲۷۰	متوسط	۲۰۲۰
						*	*	۲	۵۲۳۱۶	۳۵۷۹۳	زیاد	

بر مبنای آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای شاخص تولید ناخالص داخلی، هشت کشور حاشیه خلیج فارس وضعیت همگون، یکدست و یکپارچه‌ای ندارند.

همگرایی بر مبنای شدت تجارت

همگرایی بر مبنای شدت تجارت با تأکید بر شاخص صادرات و بطور ویژه نسبت صادرات درون منطقه‌ای به صادرات برون منطقه‌ای تحلیل شده است. پیش فرض مقاله این بود که روند رو به رشد صادرات درون منطقه‌ای در مقایسه با صادرات برون منطقه‌ای، نشان از همگرایی و برعکس میل به افزایش میانگین صادرات جهانی در مقایسه با صادرات درون منطقه‌ای به معنای دور شدن و واگرایی کشورها از همدیگر است. داده‌ها و محاسبات انجام یافته بر مبنای میانگین صادرات و نرخ رشد آن در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که شدت تجارت و صادرات کشورهای منطقه با همدیگر همسو نیستند. در این چارچوب به جزء کشورهای امارات، قطر و عمان که طی دوره زمانی مذکور رشد مثبتی از لحاظ شدت تجارت دارند، کشورهایی مانند ایران و کویت رشد منفی را ثبت کرده‌اند. همچنین بر مبنای محاسبات مربوط به میانگین صادرات متوالی در دوره‌های پنج‌ساله، نتایج نشان داد که کشور امارات و عربستان به ترتیب با ۳۸,۳۹ درصد و ۲۹,۸۶ درصد فاصله بیشتری از کشورهای دیگر در سال‌های مورد بحث دارند. در واقع سهم صادرات کشورهای فوق از کل صادرات کشورهای منطقه، حدود ۶۸ درصد است. ۳۲ درصد باقی سهم صادرات سایر کشورها است که مجموعه این روند را در طول دوره یکدست، ضعیف و نامتجانس نشان می‌دهد.

جدول ۴. آمار صادرات درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کشورهای مورد بررسی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲

سال	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	میانگین صادرات	درصد میانگین	نرخ رشد
قطر	۴۲۹	۱۲۴۹	۱۳۰۰	۸۵۸	۹۵۹	۷,۹۹	۵٪
امارات	۱۹۲۴	۵۸۳۵	۵۰۰۸	۵۵۸۸	۴۵۸۹	۳۸,۳۹	۷٪
عربستان	۳۰۰۵	۴۱۷۶	۳۳۹۳	۲۸۸۵	۳۳۶۵	۲۹,۸۶	۰٪
ایران	۱۰۰۰	۱۸۱۰	۱۰۰۱	۵۵۱	۱۰۹۱	۹,۴۷	۴-٪
کویت	۹۳۳	۱۰۴۵	۹۱۹	۶۶۹	۸۹۲	۸,۰۸	۲-٪
عمان	۳۱۲	۶۱۰	۵۳۲	۵۵۸	۵۰۳	۴,۳۳	۴٪
بحرین	۱۷۱	۲۶۸	۲۳۰	۱۹۳	۲۱۶	۱,۸۹	۱٪
مجموع	۷۷۷۴	۱۴۹۹۳	۱۲۳۸۳	۱۱۳۰۲	۱۱۶۱۵	۱۰۰,۰	۱۱٪

همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین صادرات جهانی کشورهای منطقه نسبت به میانگین صادرات درون منطقه‌ای نزدیک دوبرابر است که برون‌گرایی را بیشتر از درون‌گرایی منطقه‌ای، مورد تأیید قرار می‌دهد. میانگین جهانی مجموع صادرات کشورهای منطقه ۱۱۰,۲۴ درصد است که فاصله زیادی با رقم صادرات منطقه‌ای (۵۸,۹ درصد) دارد.

جدول ۵. صادرات جهانی و صادرات منطقه‌ای کشورهای منطقه خلیج فارس از ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰

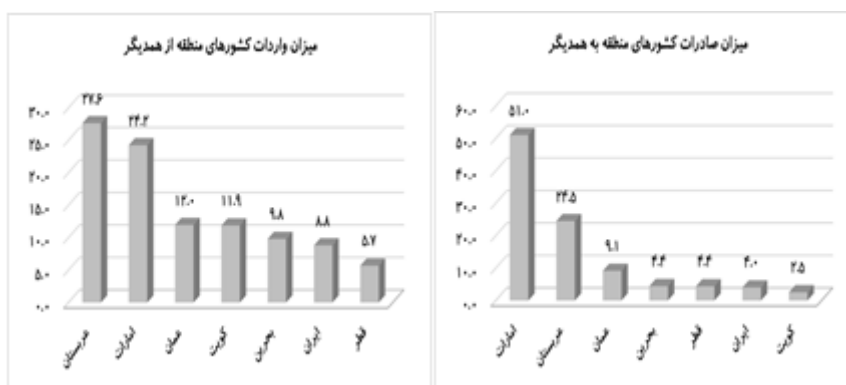
سال	صادرات ۲۰۰۵		صادرات ۲۰۱۰		صادرات ۲۰۱۵		صادرات ۲۰۲۰		صادرات جهانی	صادرات منطقه‌ای
	بیرونی	درونی	بیرونی	درونی	بیرونی	درونی	بیرونی	درونی	میانگین٪	میانگین٪
قطر	۴۲۹	۲۶	۱۲۴۹	۱۰۰	۱۳۰۰	۱۱۱	۸۵۸	۴۶	۲۵,۰۸٪	۵,۶۱٪
امارات	۱۹۲۴	۱۸۲	-	-	۵۰۰۸	۶۳۶	۵۵۸۸	۹۸۷	۷,۳۷٪	۱۱,۹۳٪
عربستان	۳۰۰۵	۹۰	۴۱۷۶	۱۵۲	۳۳۹۳	۳۶۰	۲۸۸۵	۳۳۴	۱۸,۱۲٪	۹,۴۹٪
ایران	۱۰۰۰	۵۳	۱۸۱۰	۱۳۸	۱۰۰۱	۲۰۰	۵۵۱	۱۱۵	۷,۹۵٪	۶,۰۱٪
کویت	۹۳۳	۱۷	۱۰۴۵	۲۷	۹۱۹	۴۳	۶۶۹	۳۶	۲۴,۲۰٪	۵,۱۴٪
عمان	۳۱۲	۳۳	۶۱۰	۱۰۱	۵۳۲	۷۲	۵۵۸	۱۳۴	۲۰,۸۲٪	۱۰,۶۸٪
بحرین	۱۷۱	۱۸	۲۶۸	۴۱	۲۳۰	۱۰۲	۱۹۳	۶۲	۶,۷۱٪	۹,۳۳٪
مجموع	۷۷۷۴	۴۲۰	۹۱۵۸	۵۵۹	۱۲۳۸۳	۱۵۲۴	۱۱۳۰۲	۱۷۱۳	۱۱۰,۲۴٪	۵۸,۰۹٪

بررسی متوسط میزان صادرات کشورهای منطقه به همدیگر طی دو سال ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰ حاکی از آن است که در بین کشورهای منطقه، امارات بیشترین صادرات را در سال‌های مذکور داشته است. با احتساب میانگین صادرات منطقه‌ای در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰، امارات با ۵۱,۰ درصد در اولویت نخست و کشورهای عربستان، عمان، بحرین، قطر، ایران و کویت به ترتیب با ۲۴,۵، ۹,۱، ۴,۴، ۴,۴، ۴,۰ و ۲,۵ در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در واقع حدود ۷۵ درصد از کل صادرات منطقه خلیج فارس در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰، سهم دو کشور امارات و عربستان بوده و ۳۰ درصد باقی به کشورهای دیگر اختصاص دارد. بیشترین صادرات امارات در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰ به کشورهای عربستان و ایران بوده که به ترتیب ۲۹,۷ و ۲۷,۷ درصد است. کمترین صادرات این کشور با ۴,۲ درصد به کشور قطر ثبت شده است. از طرفی عربستان و امارات بیشتر از سایر کشورها در این سال‌ها واردات داشته‌اند. با احتساب میانگین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰، کشور عربستان وارداتی به ارزش حدود ۳۰ میلیون دلار را تجربه کرده و در رتبه اول قرار دارد. همین‌طور کشورهای امارات، عمان، کویت، بحرین، ایران و قطر به ترتیب با ۲۴,۲، ۱۲,۰، ۱۱,۹، ۹,۸، ۸,۸ و ۵,۷ درصد از کل واردات کشورهای منطقه در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. همچنین بیشترین واردات کشور عربستان در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰ از کشور امارات بوده که حدود ۷۷ درصد از کل واردات منطقه را شامل می‌شود. کمترین میزان واردات این کشور نیز مربوط به کشور ایران با ۱,۳ درصد است. همان‌طور که مشاهده می‌شود دو کشور امارات و عربستان از توسعه تجارت دوجانبه متوازی برخوردار هستند. اما اختلاف تجارت آن‌ها با کشورهای دیگر به حدی است که همگرایی بین آن‌ها را دچار تزلزل می‌کند.

جدول ۶. آمار صادرات کشورهای حاشیه خلیج به همدیگر در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰

کشورها	قطر	عربستان	ایران	امارات	کویت	بحرین	عمان	ایران	قطر
۲۰۰۵	۷۲۷۷۶۴	۱۵۵۷۲۴۶	۳۹۹۹۰۲۹	۹۰۶۵۹۶	۱۰۵۶۱۳۶	۵۱۵۹۲۵	۸۷۶۲۶۹۶		
۲۰۲۰	۴۴۴	۳۰۱۳۰۷۸	۴۵۳۴۴۴۴	۷۰۴۶۷۶۰	۲۱۸۳۰۷۴۸	۹۶۹۷۸۷۵	۴۶۱۲۳۳۴۹		
۲۰۰۵	۱۱۷۵۷۸۷	۶۸۷۳۱	۴۱۲۵۱	۳۷۵۲۳	۲۲۵۹۴۲	۱۸۹۶۸	۱۵۶۸۲۰۲		

۳۱۳۱۱۶۳	۱۸۹۶۸	۸۹۶۶۱۸	۸۹۵۳۲۱	۶۰۷۳	۲۲۷۱۹۷		۱۰۸۶۹۸۶	۲۰۲۰	
۱۱۰۳۵۱۶	۴۱۴۵۳	۶۴۹۰۱۵	۸۱۹۲۲	۵۸۶۸۰		۱۱۴۰۰۰	۱۵۸۴۴۶	۲۰۰۵	بحرین
۳۶۷۴۴۷۲	۴۷۹۳۷۴	۱۹۴۳۰۹۰	۲۲۴۳۵۶	۷۱۰۱		۱۳۷۸	۱۰۱۹۱۷۳	۲۰۲۰	
۲۲۹۱۶۸۸	۲۶۱۱۸	۲۶۱۰۰۹	۳۹۸۲۰۱		۹۴۲۸۶	۵۷۹۵۰	۱۴۵۳۴۲۴	۲۰۰۵	ایران
۲۰۴۰۳۷۲	۳۶۰۳۵۷	۱۳۳۹۴۷	۱۶۲۶۸۸		۸۶۹۹	۱۷۳۵۹۳	۱۲۰۱۰۸۸	۲۰۲۰	
۹۷۹۹۸۱	۲۵۳۰۵	۳۲۶۸۶۹		۹۹۹۰۳	۵۴۲۹۳	۱۲۹۰۹۱	۳۴۴۵۲۰	۲۰۰۵	کویت
۱۷۵۹۴۱۲	۱۷۶۹۵۵	۶۷۳۲۶۲		۱۶۲۱۳	۵۴۵۹۹	۲۸۷۹۳۰	۵۵۰۴۵۳	۲۰۲۰	
۵۳۰۶۷۴۸	۳۵۱۹۲۷		۱۱۲۵۶۴۴	۲۱۷۵۹۳	۶۸۳۷۸۰	۶۶۳۹۱۱	۲۲۶۳۸۹۳	۲۰۰۵	عربستان
۲۱۰۳۲۱۶۳	۱۱۵۰۷۸۷		۱۵۸۱۳۰۹	۱۲۲۸۱۴	۴۶۳۳۶۹۸	۱۷۸۹۰۳۹	۱۱۷۵۴۵۱۶	۲۰۲۰	
۱۹۲۲۵۹۴		۲۵۸۶۵۳	۴۰۶۴۵	۱۳۵۲۷۲	۲۰۴۹۰	۷۰۱۶۱	۱۳۹۷۳۷۳	۲۰۰۵	عمان
۷۹۱۲۹۱۶		۱۴۸۸۱۴۶	۲۷۲۶۹۶	۲۴۴۶۷۲	۱۲۴۷۸۲	۲۱۰۲۴۲۴	۳۶۸۰۱۹۶	۲۰۲۰	
	۹۸۰۳۹۶	۲۷۷۷۶۲۴	۲۵۹۰۵۳۱	۴۵۵۱۷۲۸	۲۴۷۸۸۲۶	۱۷۶۲۸۷۷	۶۷۹۳۴۴۳	۲۰۰۵	مجموع
	۱۱۸۸۴۳۱۶	۲۶۹۶۵۸۱۱	۱۰۱۸۳۱۳۰	۴۹۳۱۳۱۷	۸۰۶۲۰۵۳	۴۳۵۴۸۰۸	۱۹۲۹۲۴۱۲	۲۰۲۰	واردات



شکل ۴. نمودار شدت تجارت و مراودات اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس به همدیگر

نمودار مربوط به میزان صادرات و واردات کشورهای منطقه اختلاف فاحش بین کشورهای امارات و عربستان را با کشورهای دیگر این مجموعه نشان می‌دهد.

همگرایی بر مبنای قیمت نفت

مهمترین و شاید اصلی‌ترین عامل در اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس، نفت است. البته باید اذعان نمود که مسیر و جهت چنین منابع راهبردی در شرایط کنونی و نظم نوین جهانی، تحت‌الشعاع عوامل اقتصادی سیاسی عمده دیگری بوده و طبعاً از شدت تأثیرگذاری آن در مواردی خواهد کاست. از این رو، بررسی وجود رابطه و شدت و ضعف آن بین این منبع راهبردی با وضعیت همگرایی اقتصادی مدنظر قرار گرفت. این کار بر اساس آزمون‌های T (تفاوت میانگین‌ها)، تکنیک رگرسیون خطی چندگانه و آزمون آماری همبستگی پیرسون انجام گرفت. بدین منظور داده‌های متغیرهای «قیمت نفت»، «صادرات درون منطقه‌ای» و «صادرات برون منطقه‌ای» بر اساس دامنه‌یابی در طیف‌های

حدأقل تا حدأكثر، به حالت فاصله‌ای درآمدند. بعد از اینکه داده‌ها بصورت پیوسته و از نوع فاصله‌ای درآمدند، از طریق آزمون‌های فوق بررسی‌ها انجام یافت.

جدول ۷. آمار قیمت نفت و میزان صادرات بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۵

سال	قیمت نفت	صادرات درونی	صادرات جهانی
۲۰۰۵	۵۰,۵۹	۴۲۰	۷۷۷۴
۲۰۰۶	۶۱	۲۶۱	۶۶۲۳
۲۰۰۷	۶۹,۰۴	۴۳۱	۱۰۲۶۸
۲۰۰۸	۹۴,۱	۵۷۳	۱۳۹۳۰
۲۰۰۹	۶۰,۸۶	۴۰۱	۶۷۵۶
۲۰۱۰	۷۷,۳۸	۵۵۹	۹۱۵۸
۲۰۱۱	۱۰۷,۴۶	۵۳۶	۱۳۱۳۹
۲۰۱۲	۱۰۹,۴۵	۱۰۰۳	۱۹۷۷۵
۲۰۱۳	۱۰۵,۸۷	۹۸۶	۱۹۴۲۰
۲۰۱۴	۹۶,۲۹	۱۰۰۶	۱۸۰۸۰
۲۰۱۵	۴۹,۴۹	۱۵۲۴	۱۲۳۸۳
۲۰۱۶	۴۰,۶۸	۷۸۳	۱۰۶۵۰
۲۰۱۷	۵۲,۵۱	۱۱۱۹	۱۳۲۲۰
۲۰۱۸	۶۶,۵۸	۱۳۴۸	۱۵۴۱۹
۲۰۱۹	۶۴,۰۵	۱۲۶۹	۱۳۶۰۷
۲۰۲۰	۴۳,۶۷	۱۷۱۳	۱۱۳۰۲

بررسی رابطه بر اساس آزمون T

آزمون تفاوت میانگین‌ها (T) وجود اختلاف، میزان آن و معنی‌داری بین صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای کشورهای حاشیه خلیج فارس با اتکاء به عامل قیمت نفت را مشخص می‌کند. نتایج بررسی این آزمون نشان داد که بین قیمت نفت و صادرات منطقه‌ای و جهانی کشورهای حاشیه خلیج رابطه معنی‌دار وجود دارد. نمره میانگین صادرات بیرونی ۲,۷۷ در مقایسه با نمره میانگین صادرات درونی ۲,۰۳، اختلاف بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری آزمون T برابر با ۰,۰۲۴ است که نشان می‌دهد تفاوت بین دو متغیر صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای از منظر قیمت نفت معنی‌دار است که با قبول خطای کم‌تر از ۰,۰۵ و درجه اطمینان ۹۹,۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. با توجه به معنی‌داری اختلاف واریانس‌های مرتبط با آزمون لوین (۰,۰۰۰)، به یافته‌های مبتنی بر نابرابری واریانس‌ها در این خصوص اتکاء شده است. آمارهای توصیفی و استنباطی مستخرج از نرم‌افزار Spss در جداول زیر نشان داده شده است.

۱. ارقام بر اساس قیمت فعلی دلار آمریکا می‌باشد و بدلیل نوسانات زیاد قیمت دلار، معادل‌سازی ارقام در مبلغ ۶۰ هزار تومان انجام یافت.
۲. دسته‌بندی داده‌ها در طیف‌های کم، متوسط و زیاد اختصاص ارقام ۱ تا ۳ به ترتیب برای هر کدام، رقم مربوط به میانگین را در این بازه معنی‌دار می‌سازد.

جدول ۸. آمارهای توصیفی داده‌های دو متغیر صادرات درونی و بیرونی بر مبنای قیمت نفت

خطای انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	متغیر	
۰,۳۱۶۲۳	۵,۶۹۷۳۴	۲,۷۷	۱۶	صادرات بیرونی	قیمت نفت
۱,۸۹۲۲۱	۸,۷۶۳۲۱	۲,۰۳	۱۶	صادرات درونی	

جدول ۹. رابطه بین قیمت نفت و انواع صادرات در بین کشورهای خلیج فارس با آزمون T

t-test for Equality of Means			Levene's Test for Equality of Variances		
اختلاف میانگین	معنی داری	مقدار T	معنی داری	مقدار F	
۳,۴۰۷۴۵	۰,۰۲۴	۴,۲۷۶	۰,۰۰۰	۷,۷۴۱	برابری واریانس
۳,۴۰۷۴۵	۰,۰۲۴	۴,۳۲۲			نابرابری واریانس

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود صادرات برون منطقه‌ای کشورهای حاشیه خلیج فارس بیشتر از صادرات درون منطقه‌ای، تحت تأثیر عامل قیمت نفت قرار دارد. به عبارتی تأثیرات قیمت نفت بیشتر از آنکه صادرات درون منطقه‌ای و همگرایی از این جهت را موجب شود، باعث فزونی صادرات جهانی این کشورها شده و این موضوع با معنی داری رابطه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

تکنیک رگرسیون و ضریب پیرسون R

بطور کلی نتایج مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که بین قیمت نفت و صادرات کشورهای منطقه خلیج فارس ارتباط معناداری وجود دارد. اما نقش تبیین کنندگی نفت برای صادرات برون منطقه‌ای بیشتر از صادرات درون منطقه‌ای است. مقدار ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط بین قیمت نفت و صادرات برون منطقه‌ای ۰,۶۴۴ است. اما مقدار این ضریب در ارتباط بین قیمت نفت و صادرات درون منطقه‌ای ۰,۰۳۴ است. خلاصه نتایج آماره‌های مربوط به برازش مدل رگرسیونی در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۰. خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل رگرسیونی

رابطه	مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	«قیمت نفت» - «صادرات برون منطقه‌ای»	۰,۶۴۴a	۰,۴۱۴	۰,۳۷۸	۱,۲۳۴۳۰
۲	«قیمت نفت» - «صادرات درون منطقه‌ای»	۰,۰۳۴a	۰,۰۰۱	۰,۰۶۱	۱,۶۱۱۷۱

مقدار ضریب تعیین در رابطه اول معادل (۰/۴۱۴) و در رابطه دوم معادل (۰,۰۰۱) محاسبه شده که میزان تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی صادرات برون منطقه‌ای و صادرات درون منطقه‌ای را بواسطه متغیر مستقل یعنی قیمت نفت مشخص می‌نماید. ضریب تعیین تعدیل شده بیان می‌دارد که متغیر قیمت نفت برای سنجش متغیرهای صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در خلیج فارس مناسب است. سطح معنی‌داری آنالیز واریانس برای هر دو رابطه، کمتر از ۰/۰۵ است؛ در نتیجه مقدار F برای مدل معنادار است. با توجه به مقدار آزمون F (۱۱/۳۱) برای رابطه اول و (۰,۰۱۹) برای رابطه دوم و همچنین سطح معنی‌داری هر دو، رگرسیون و رابطه بین متغیرها با قبول خطای کم‌تر از ۰/۰۱ و درجه اطمینان بیش از ۰/۹۹ معنادار می‌باشد.

جدول ۱۱. آنالیز واریانس مدل رگرسیون

رابطه	مدل	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig
۱	رگرسیون	۱۷,۲۳۵	۱	۱۷,۲۳۵	۱۱,۳۱۳	۰,۰۰۴ b
	باقیمانده	۲۴,۳۷۶	۱۶	۱,۵۲۳	-	-
	مجموع	۴۱,۶۱۱	۱۷	-	-	-
۲	رگرسیون	۰,۰۴۹	۱	۰,۰۴۹	۰,۰۱۹	۰,۰۲۱ b
	باقیمانده	۴۱,۵۶۲	۱۶	۲,۵۹۸	-	-
	مجموع	۴۱,۶۱۱	۱۷	-	-	-

نتایج حاصل از ضریب تأثیر رگرسیونی نشان داد که متغیر قیمت نفت با ضریب بتای ۲/۳۷۷، تأثیرات زیادی را بر صادرات برون منطقه‌ای نشان می‌دهد. این مقدار برای رابطه دوم ۰,۹۴۸ است که رابطه ضعیف را در این خصوص نشان می‌دهد.

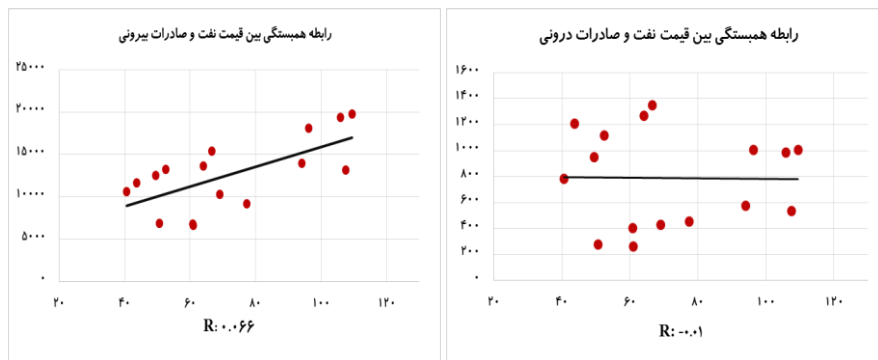
جدول ۱۲. ضریب تأثیر رگرسیونی متغیر مستقل بر متغیر وابسته

متغیر وابسته	Unstandardized Coefficient B	Standardized Coefficient Beta	T	Sig
صادرات برون منطقه‌ای	۰,۰۰۷	۲,۳۷۷	۷,۴۷۸	۰,۰۰۰
صادرات درون منطقه‌ای	۰,۰۴۳	۰,۹۴۸	۵,۱۴۹	۰,۰۰۰

متغیر مستقل: قیمت نفت

بر این اساس گفته می‌شود که با افزایش قیمت نفت، صادرات فرامنه‌ای کشورهای حوزه خلیج فارس نیز نسبتاً افزایش یافته و برعکس آن نیز صادق است. اما در ارتباط با صادرات درون منطقه‌ای این موضوع کمتر صدق می‌کند. بررسی پراکنش مقادیر نشان می‌دهد که نمی‌توان یک رابطه خطی و مثبت بین قیمت نفت و صادرات درون منطقه‌ای بین کشورهای حاشیه خلیج فارس یافت. مقدار همبستگی در این رابطه رقم ۰,۰۳۴ است. شیب خط به سمت پایین و نزدیک به حالت افقی است که نشان از ضعیف بودن همبستگی بین دو متغیر فوق است. اما

در نمودار سمت چپ مقدار همبستگی ۰,۶۴۴ بوده که نشان از یک رابطه خطی و مثبت بین قیمت نفت و صادرات فرامنطقه‌ای دارد. شیب خط به سمت بالا است و پراکندگی نقاط نیز نسبتاً متمرکز است.



شکل ۵. پراکنش مقادیر ضریب همبستگی برای روابط متغیرها

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج پژوهش، نشانه‌های محکمی از تجانس و همگونی اقتصادی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس بر پایه معیارهای اندازه اقتصاد، شدت تجارت و نوسانات قیمت نفت بدست نیامد. بطور کلی تعیین وضعیت همگرایی اقتصادی در این مقاله در پاسخ به دو پرسش اصلی بررسی و کنکاش شد. پاسخ به سؤال اول پژوهش مبنی بر سنجش میزان تجانس و همگونی اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس، بر پایه دو معیار اندازه اقتصاد و شدت تجارت انجام یافت. یافته‌های بدست آمده نشان داد هرچند میزان سرانه تولید ناخالص داخلی در این کشورها طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ کم و بیش با افزایش طبیعی مواجه بوده، با این حال کشورها سهم یکسانی از کل سرانه تولید ناخالص داخلی ندارند. این روند در کل دوره مورد بررسی ثابت بوده و نشانه‌هایی مبنی بر تجانس و همسویی مشاهده نمی‌شود. توزیع کشورها بر مبنای طیف‌بندی سرانه تولید ناخالص، نرمال نبوده و اختلاف معنادار بین گروه‌های آن در تمام دوره وجود داشته است. برآوردهای مقاله در ارتباط با شدت تجارت که با تأکید خاص بر صادرات و شاخص‌های مرتبط با آن انجام یافت، نتایج مشابهی بدست داد. در این راستا به جزء کشورهای امارات، قطر و عمان که طی دوره زمانی مذکور رشد مثبتی از لحاظ شدت تجارت دارند، کشورهایمانند ایران و کویت رشد منفی را تجربه کرده‌اند. سهم کشورهای امارات و عربستان از کل صادرات کشورهای منطقه روی هم رفته، فاصله زیادی با کشورهای دیگر داشته و مجموعه این روند را در طول دوره یک‌دست، ضعیف و نامتجانس نشان می‌دهد. میانگین صادرات جهانی کشورهای منطقه نسبت به میانگین صادرات درون منطقه‌ای نزدیک دوبرابر است که برون‌گرایی را بیشتر از درون‌گرایی منطقه‌ای، مورد تأیید قرار می‌دهد. مقوله اخیر همسو با نتایج تحقیق رضائی و معین‌آبادی (۱۳۹۸) مبنی بر وابستگی به تجارت خارجی و اختلافات سیاسی در رسیدن به همگرایی کامل اقتصادی و نتایج تحقیق کی‌کی وریکو (۲۰۱۷) مبنی بر افزایش همگرایی منطقه‌ای در گرو سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رکن اصلی تجارت درون منطقه‌ای است. در همین ارتباط سهم نابرابر کشورهای منطقه خلیج فارس از سرانه تولید ناخالص داخلی و تجانس ضعیف از نظر شدت تجارت با نتایج تحقیق حسینی و همکاران (۱۴۰۲) و چارلز فی و همکاران (۲۰۲۵) همسو است. همین مقوله در نقطه مقابل، نتایج پژوهش‌های محققانی همچون ثاقب و همکاران (۱۴۰۴) و پروچنیاک و راپاکی (۲۰۲۴) مبنی بر افزایش تجانس شاخص‌های اقتصادی و توسعه با عضویت در اتحادیه‌ها و ترتیبات اقتصادی را مورد انتقاد قرار داده و به چالش می‌کشد.

طبیعی است که عمده‌ترین منشأ اصلی بی‌ثباتی در همگرایی اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج و بسیاری از تنش‌های موجود، وجود منابع عظیم راهبردی نفت و گاز منطقه و حضور قدرت‌های بزرگی است که به منافع حاصل از این منابع توجه زیادی دارند. نتایج برخی از مطالعات موجود و بخشی از یافته‌های مطالعه حاضر تصدیق بر این امر بوده است که در پاسخ به پرسش دوم مقاله مبنی بر سنجش رابطه بین نوسانات قیمت نفت با وضعیت همگرایی اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج، بدست آمد. نتایج تحقیق علیزاده و همکاران (۱۴۰۳) مبتنی بر وقوع چالش در مسیر همگرایی کشورهای حاشیه خلیج فارس در گرو وابستگی قدرت‌های بزرگ بیرونی به انرژی خلیج فارس مصداق بارزی بر همین موضوع است. یافته‌های مرتبط نشان داد که نوسانات قیمت نفت طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ بین کشورهای حاشیه خلیج فارس تأثیرات یکسانی بر صادرات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای آن‌ها نداشته و اختلاف بین میزان صادرات منطقه‌ای و جهانی با عاملیت نفت کاملاً مشهود است. موضوعی که تأکیدِ نتایج تحقیق برزانی (۲۰۱۸) بر تأثیر افزایش قیمت نفت بر رشد اقتصادی را مورد چالش قرار می‌دهد. تأثیرات قیمت نفت بیشتر از آنکه صادرات درون منطقه‌ای و همگرایی از این جهت را موجب شود، باعث فزونی صادرات جهانی این کشورها شده است. همچنین نتایج نشان داد که نقش تبیین‌کنندگی نفت برای صادرات برون منطقه‌ای یا جهانی کشورها بیشتر از صادرات درون منطقه‌ای است. افزایش صادرات کشورهای منطقه خلیج فارس بویژه کشورهای عربی به کشورهای اروپایی و آمریکا و بالعکس به معنای دور شدن آن‌ها از ارتباطات منطقه‌ای است. از زمانی که نفت به یک منبع ارزشمند در منطقه خلیج فارس تبدیل شده و مداخله مداوم کشورهای اروپایی و آمریکا را به دنبال داشته است، این روند با شدت بیشتری تداوم داشته است. در مجموع باید عنوان کرد که ظرفیت مشترک نفت در منطقه خلیج فارس بیشتر از آنکه عامل انسجام و یکپارچگی باشد، منشأ اختلافات درون منطقه‌ای و واگرایی است. مقوله‌ای نتایج تحقیق ایمانی (۱۴۰۰) مبنی بر همگرایی اقتصادی در سایه افزایش سهم بخش غیرنفتی را می‌توان به نوعی مکمل برای آن به حساب آورد. با تکیه بر نتایج بدست آمده می‌توان اذعان نمود که بخشی از نتایج این مقاله در دو گام اصلی بررسی‌ها و یافته‌های بدست آمده، از سویی بر وجه تمایز و تشابهات آن با پژوهش‌های قبلی اشاره داشته و از سوی دیگر به عنوان مکملی برای تحقیقات مرتبط با چالش‌های همگرایی اقتصادی منطقه‌ای محسوب می‌شود.

با توجه به الزامات و معیارهای تحقق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای با محوریت رویکرد کارکردگرایی و نتایج حاصل از بررسی‌ها در این چارچوب، می‌توان بیان داشت که کشورهای حاشیه خلیج فارس شرایط کامل همگرایی اقتصادی را نداشته و حتی همکاری‌های اقتصادی اولیه در بین این کشورها چندان ملموس نیست. چون توزیع منافع ناشی از منابع راهبردی بویژه نفت بصورت نامتوازن بوده و تأثیرات منفی نفت بر همگرایی کشورها بیشتر از تأثیرات مثبت آن می‌باشد که نشانه‌های واگرایی را بیشتر بازنمایی می‌کند. بدیهی است که ادامه روند موجود بدون هیچ‌گونه تغییری در رویکرد و سیاست‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس، کاهش انسجام و یکپارچگی کشورها و تشدید تنش‌ها و انواع اختلافات منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت. لازمه برون‌رفت از این وضعیت و رسیدن به همگرایی کامل منطقه‌ای، اجتناب از نگاه آرمانی و اتخاذ یک دیدگاه واقع‌بینانه مبتنی بر اقدامات و سیاست‌های تدریجی است. مقتضی است که در گام اول کشورهای فوق از نظر اقتصادی به هم نزدیک شوند و بدین طریق قدرت جمعی لازم برای تداوم همگرایی اقتصادی را بدست آورند. بسط و تداوم همکاری‌های اقتصادی، زمینه‌های تحقق همگرایی کامل منطقه‌ای را فراهم می‌کند. پیشنهادهای کلی به ترتیب و اولویت زیر، گام‌های اصلی پژوهش در شکل‌گیری زمینه‌های همگرایی است که می‌تواند در نهایت به ایجاد یک سامانه کامل منطقه‌ای کمک کند.

شمولیت تمام کشورها در انواع ترتیبات اقتصادی موجود در منطقه خلیج فارس و اجتناب از مستثنی کردن هر کشور از این قاعده، در چارچوب یک منطقه همگن با مشترکات فراوان جغرافیایی؛

به عضویت درآوردن کشورهای حاشیه خلیج فارس بویژه دو کشور ایران و عراق در شورای همکاری خلیج فارس و تقویت وجهه اقتصادی آن به منظور کاهش گستره سیاستی و تمرکز بر بُعد مشخص؛

تقویت همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس با تأکید ویژه بر نفت و گاز و توزیع عادلانه منافع ناشی از آن در بین کشورها با عقد پیمان‌ها و تفاهم‌نامه‌های متنوع و مشترک اقتصادی؛

کاهش سیاست‌های مبتنی بر اقتصاد تک‌محصولی و اتخاذ رویکرد تکثرگرایی با سوق دادن تدریجی درآمدهای نفتی به حوزه‌های صنعتی و سودآور به منظور جلوگیری از مداخله قدرت‌های بزرگ و حذف کامل آن‌ها در بلندمدت به عنوان عامل اصلی بسیاری از اختلافات و تنش‌های منطقه‌ای؛

افزایش توافقات و پیمان‌های متعدد و مختلف بین کشورهای حاشیه خلیج فارس در زمینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی به منظور نزدیکتر هرچه بیشتر کشورها به سوی یکدیگر در بلندمدت؛

افزایش قدرت جمعی منطقه خلیج فارس بواسطه نفع و اشتراکات جمعی کشورها و ایجاد همگرایی کامل منطقه‌ای به تبعیت از آن و بازتولید قدرت جمعی و درون‌منطقه‌ای در برابر عوامل مداخله‌گر بیرونی؛

راهکارهای فوق صرفاً جهت خارج شدن منطقه خلیج فارس از وضعیت فعلی و نزدیکی نسبی کشورها به هم از نظر اقتصادی می‌باشد. سیاست‌های کلی و بالقوه‌ای هستند که اگر عینیت پیدا کنند، ممکن است به تدریج زمینه‌های همگرایی اقتصادی نیز به معنای واقعی فراهم شود. البته نباید از نظر دور داشت که در حال حاضر گرایش‌های سیاسی کشورهای جهان بیش از آنکه به نظام منطقه‌ای مربوط باشد، متکی به نظام اقتصاد جهانی است. نظام اقتصادی کشورها در راستای چنین رویکردهایی، تحولات زیادی داشته و گرایش‌های سیاسی آن‌ها نیز دگرگون شده است. به گونه‌ای که مثبت یا منفی بودن همگرایی یا واگرایی منطقه‌ای در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و رویکرد کشورها با توجه به منافع‌شان در نظام اقتصاد جهانی، تعیین کننده ماهیت چنین پدیده‌هایی است.

منابع

الف- فارسی

افراسیابی، مهران؛ مصیب پهلوانی؛ رمضان حسین زاده (۱۳۹۹)، «بررسی اثر سرمایه انسانی بر همگرایی منطقه‌ای در ایران: رهیافت اقتصادسنجی فضایی»، مدل‌سازی اقتصادسنجی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۸۵-۶۷.

افضلی، رسول و عادل انصاری (۱۳۹۵)، «چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی منطقه‌ای اکو از منظر تئوری کارکردگرایی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۹۰، صص ۳۵۸-۳۳۷.

اکبری، نعمت‌اله و مژگان معلمی (۱۳۸۴)، «یکپارچگی اقتصادی در کشورهای حوزه خلیج فارس (استفاده از یک روش اقتصادسنجی فضایی)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۵، صص ۱۲۶-۱۰۹.

اکبریان، رضا و محسن شکری (۱۳۹۵)، «جهانی شدن و منطقه‌گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۲، صص ۲۰۸-۱۷۷.

ایمانی، همت (۱۴۰۰)، «امکان‌سنجی همگرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس در آینده پیش‌رو و الزامات تحقق آن»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۲، صص ۹۳-۱۳۵.

ثاقب، حسن؛ میرعبداله حسینی؛ فرزاد مرادپور (۱۴۰۴)، «ارزیابی همگرایی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس»، مطالعات کشورها، دوره سوم، شماره ۱، صص ۳۸-۱.

جلایی اسفندآبادی، سید عبدالمجید و سمانه دربندی (۱۳۸۸)، «شاخصهای اقتصاد کلان بین الملل کشورهای حوزه خلیج فارس در فرآیند منطقه گرایی»، مطالعات خاورمیانه، دوره شانزدهم، شماره ۳، صص ۵۷-۳۳.

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، «قدرت و منافع ملی». تهران: انتشارات سمت.

حافظنیا، محمدرضا و حسین ربیعی (۱۳۹۲)، «مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس»، تهران: انتشارات سمت.

حافظنیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی چالش‌های جغرافیای سیاسی در همگرایی منطقه‌ای مطالعه موردی: سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲۵، صص ۴۱-۱.

حسینی، میرعبداله؛ محمد رضا عابدین مغانکی؛ علی زاهد طلبان (۱۴۰۲)، «همگرایی اقتصادی- تجاری منطقه ای میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، بررسی‌های بازرگانی، دوره بیست و یکم، شماره ۱۲۲، صص ۳۲-۱.

دل‌انگیزان، سهراب؛ یونس گلی؛ یحیی گلی (۱۳۹۶)، «اندازه‌گیری نابرابری رشد اقتصادی استان‌ها و بررسی همگرایی رشد آن‌ها (رهیافت اقتصاد سنجی فضایی)»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۷، صص ۹۸-۸۲.

راسخی، سعید و میرعبداله حسینی (۱۳۹۶)، «ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای حوزه دریای خزر»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۰، صص ۸۳-۶۳.

رضائی، احمد؛ حسین معین‌آبادی (۱۳۹۸)، «اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن»، مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل، دوره دوم، شماره ۱، صص ۲۶۶-۲۳۳.

زمانی، ابوالفضل و محسن زمانی (۱۳۹۶)، «واکاوی عوامل و زمینه‌های همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس»، نشریه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، شماره ۱۲، صص ۱۸۰-۱۵۷.

سعادت، رحمان و ناهید محسنی (۱۳۹۴)، «بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای حوزه دریای خزر»، پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۷۳، صص ۵۴-۲۹.

سعیدی جواد، حمید و سید محمد فهیمی فرد (۱۴۰۲)، «امکان سنجی توسعه همگرایی اقتصادی ایران با سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه (BSEC) با رویکرد مدل جاذبه»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، شماره ۱، صص ۲۲۲-۱۹۳.

صنیع اجلال، مریم (۱۴۰۱)، «الزامات تحقق همگرایی منطقه‌ای در جهان اسلام: بررسی موردی نقش همکاری‌های علمی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۴، صص ۲۹-۱.

- عسگری، حشمت‌اله؛ رضا عالی؛ عزیز مراسلی (۱۳۹۶)، «تاثیر صادرات نفت بر همگرایی یا واگرایی GDP سرانه کشورهای عضو اوپک با رویکرد اقتصادسنجی ترکیبی فضایی»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره چهاردهم، شماره ۱. صص ۳۶-۱.
- علیزاده، علی؛ یعقوب قلندری؛ حسن کبیری (۱۴۰۳)، «نقش و جایگاه مولفه انرژی بر همگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس»، پژوهشنامه روابط جهانی، دوره یکم، شماره ۳، صص ۲۴۱-۲۰۵.
- قرآنی نوشاد، محمود (۱۳۹۵)، «همگرایی و موانع آن در منطقه خلیج فارس»، همایش ملی خلیج فارس، تهران.
- کریمی، مهدی؛ قاسم اصولی اودلو؛ هادی سیفی فرزاد و حسن جعفرزاده (۱۴۰۱)، «عدم شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای در جنوب شرق، جنوب و جنوب غرب آسیا»، سیاست بین‌الملل، شماره ۲، صص ۲۹۴-۲۶۷.
- کوشکی، محمد صادق و امیر حامد آزاد (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی عملکرد اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس در چارچوب همگرایی منطقه‌ای»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۰، صص ۸۸-۶۵.
- کیانی، وحید (۱۳۹۴)، «الزامات همگرایی منطقه‌ای در بین کشورهای حوزه خلیج فارس با تاکید بر دیپلماسی انرژی». تهران. انتشارات مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس.
- موسوی فرد، سید محمدرضا؛ محمد امین ابوالخیریان؛ زهرا موسوی، (۱۴۰۴)، «تاثیرات تشنج نظامی در تنگه هرمز و باب المندب بر صلح و امنیت جهانی با تاکید بر جنگ انرژی»، نشریه جغرافیا و روابط انسانی، مقالات آماده انتشار.
- نصراله‌زاده، بهرام و اکبر محمدی (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر رویکرد سند برنامه ششم به تعادل‌بخشی منطقه‌ای و توسعه پایدار»، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای، صص ۱۷-۱.
- نوروزی زاده، فتح‌اله؛ مهناز گودرزی و حسین مسعودنیا (۱۴۰۱)، «نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس در پیشبرد سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره ۳، صص ۲۵۵-۲۲۸.
- ویسی، هادی (۱۳۹۷)، «بررسی چالش‌های منطقه‌گرایی و اتحاد در شورای همکاری خلیج فارس»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، دوره سوم، شماره ۳، صص ۲۳-۱.
- یعقوبی، سامره؛ عزت‌اله عزتی؛ ابراهیم رومینا (۱۳۹۸)، «شناسایی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی در منطقه جنوب غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳، صص ۲۵۵-۲۲۹.

ب- انگلیسی

Albu, L. L. (2016). Trends in the relation between regional convergence and economic growth in EU. Working Papers of Institute for Economic Forecasting. Institute for Economic Forecasting.

Baysoy, E. (2020). New-Regionalism: The Slipknot of the Two Rival Trends? Athens Journal of Mediterranean Studies, 6 (1), 11 – 20.

Desli, E. & Gkoulgkoutsika, A., (2020). "World economic convergence: Does the estimation methodology matter?," *Economic Modelling*, Elsevier, vol. 91(C), pages 138-147.

Dosenrode, Soren .(2015) .Limits to Regional Integration .London and New York: Publication of Routledge.

Doukouré Charles Fe & Adou Christian Konin & Akra Mohaye Marius N'Guessan, (2024). "Economic convergence in the West African Economic and Monetary Union: a new analysis," *Cogent Economics & Finance*, Taylor & Francis Journals, vol. 12(1), pages 2308671-230, December.

El-Agraa, Ali M. (2007). *The European Union Economics and Policies*. Cambridge: Cambridge University Press.

European Commission .(2022) .Facts and figures on the European Union economy: How big is the EU economy? .European Commission ,Directorate-GeneralforCommunication .Available at:https://european-union.europa.eu/principlescountries history/key-facts-and figures/economy_en.

Gathi, James Thuo. (2009). *African Regional Trade Agreements as Flexible Legal Regimes*, Working Paper Series, No. 20. on <http://scholarship.law.unc.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1903&context=ncilj>.

Gebru, Solomon Gebreyohans. (2016). *Regional Integration in the Horn of Africa: State of Affairs and Challenges*, Center for European Integration Studies (ZEI), WAI-ZEI Paper, No. 31, 1-37.

Harger K., Young A. T. & Hall J. (2017). *Globalization, Institutions, and Income Convergence*, *Journal of Regional Analysis and Policy*, Mid-Continent Regional Science Association, 47(2).

<https://www.trademap.org/> (2025) Country_SelProductCountry_TS .aspx ?nvpm

Katarzyna, S., Dainora, G., Joanicjusz, N., Andrius, S., Aleš, R. (2022). *Assessment of economic convergence among countries in the European Union* Technological and Economic Development of Economy. Volume 28 Issue 5: 1572–1588. <https://doi.org/10.3846/tede.2022.17518>.

Kiki, Verico. (2017) .*The Future of the ASEAN Economic Integration*. London: Publication of Palgrave Macmillan.

Mariusz, P., Ryszard, R. (2024). *Economic growth and real convergence in Central and Eastern Europe: lessons for the future enlargement of the EU*, *EUROPEAN POLICY ANALYSIS*, Stockholm: SIEPS. See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/387021447>

Peternel, I., Martin, G., (2021), "Economic diplomacy: concept foreconomic prosperity in Croatia", *Economic Research*, 34(1): 109-121.

Stilianos, A., (2020) "Regional Convergence: Theory And Empirics," *Regional Science Inquiry*, Hellenic Association of Regional Scientists, vol 0(1), 245-252.

UNCTAD. (2025). *World Investment Report, FDI/TNC database*. Geneva: Union Nation Conference Trade And Development. Retrieved from www.unctad.org/fdistatistics.

World Bank. (2000). *Trade Blocs: A World Bank Policy Research Report*. New York: Oxford University Press.

World Bank. (2025). World Development Indicators Database 2005-2020. www.worldbank.org.

Lvova, Elena .(2003) .Integration of the Ukraine to the world's economic system by means of Special Investment Regimes. Germany: Publication of German National Library.